

استناد به قرائات قرآنی در استنباط قواعد نحوی

علی حاجی پور^۱

چکیده

نحویان از همان ابتدای تدوین علم نحو تلاش خود را برای قاعده مند سازی این علم مبذول داشتند و بدین وسیله علم اصول نحو را تاسیس کردند. دانشمندان اصول نحو، ادله موجود برای قاعده سازی نحو را از ۴ تا ۱۲ مورد و فراتر از آن ذکر کرده اند. یکی از مهمترین ادله نحوی سماع است، که تمامی میراث فصیح عرب را در بر می گیرد. قرآن یکی از منابع دست اول در سماع به شمار می رود. بدین صورت که قرائت در استعمال شناسی و دلالت یابی از سوی نحویون مورد استفاده قرار می گیرد. ولیکن قرآن در پس از رحلت پیغمبر اکرم (ص) دچار اختلاف شد و تا به جایی که صاحب بعضی قرائات بعض دیگر را تکفیر می کردند. رشد سریع قرائات، ابن جزری را واداشت که با وضع قواعدی در حوزه قرائات، آشفتگی موجود را برطرف نماید و ضوابطی را برای تشخیص قرائت صحیح تعیین نماید. علمای نحو نیز می توانند با ثبوت شرط تواتر از معصوم (ع) از قرائات در استعمال شناسی و دلالت یابی استفاده کنند. این قاعده تنها در قرائت حفص از عاصم جاری است؛ چرا که سند آن به معصوم منتهی می شود و قرائت رایج مسلمین در طول قرون بوده است.

کلید واژه

ادله نحو، اختلاف قرائت، گویش، اجتهاد قراء، تواتر قرائات

^۱ طلبه پایه سوم مدرسه علمیه شهیدین (ره) قم.

۱. مقدمه

قرآن حکیم، کتاب آسمانی مسلمانان و معجزه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم همواره در مرکزیت توجه مسلمانان قرار داشته است، تا آنجا که برای حفظ این میراث، علمی را به وجود آوردند. از جمله این علوم، علم نحو بوده است که هدف از تاسیس این علم، صیانت از وقوع تحریف در الفاظ قرآن بوده است. (ابن جنی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۶؛ صدر، ۱۳۸۱، ص ۶۰) از آنجا که قرآن حکیم در دوره طلایی و اوج پیشرفت زبان عربی نازل شد، همواره قرآن در نگاه نحویون به عنوان یک منبع دست اول بوده است. کتابی با ادبیاتی بلیغ و رسا که در دوره اوج تطور زبان عربی^۲ نازل شده است و می تواند در استنباط، استعمال شناسی و دلالت یابی در قواعد علم نحو مورد استفاده قرار بگیرد. اهمیت استناد به قرآن در سماع زمانی مشخص می شود که بدانیم از عرب بادیه هیچ اطلاعاتی در دست نیست و از اشعار عرب نیز جز کمی به دست ما نرسیده است. (الراجحی، ۱۳۷۵، ص ۲۰؛ جعفریان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۱) مضاف بر این که عده ای از علما و دانشمندان اهل ادب در بسیاری از اشعار جاهلی تردید نموده و آن را از دوران جاهلیت نمی دانند، بلکه آن اشعار را ساخته و پرداخته شعرای دوره اسلامی می دانند. از طرفی اولین کسی که اشعار جاهلی را گردآوری کرده شخصی به نام حماد ابن ابی لیلی معروف به حماد الروایه بوده است که از نظر بسیاری به جعل و دروغ متهم شده است. (عسقلانی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۳۵۲) ولیکن در عصر نزول قرآن اختلافاتی در قرائت قرآن بروز پیدا کرد. (بخاری، ۱۳۱۲، ج ۶، ص ۱۸۵) و این اختلافات بعدها به اوج خود رسید. (معرفت، بی تا، ج ۲، ص ۱۰) حال آیا با وجود این اختلافات همچنان میتوان به قرآن به عین اعتبار نگاه کرد؟ آیا قرآن همچنان می تواند به عنوان یک منبع در احتجاج و استشهاد و همچنین قاعده سازی توسط نحویون مورد استفاده قرار بگیرد؟ فلذا شایسته است اختلاف قرائت از این حیث مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرد.

مبحث قرائت قرآنی همواره از زوایا و ابعاد مختلفی، مورد توجه و بررسی دانشمندان و پژوهشگران اسلامی بوده است. پژوهشگران هر حوزه علمی، از قرآن حکیم بهره مند می شوند. همانطور که مولا امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: خداوند متعال تمام آنچه که بشریت به آن نیاز دارد، را در قرآن فرو فرستاده است و از هیچ چیز فروگذار نکرده است. (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۹)

پژوهش های زیادی با محوریت موضوع اختلاف قرائت انجام گرفته است، لیکن به نظر می رسد در این موضوع به خصوص چندان مورد بحث قرار نگرفته است.

^۲ زبان عربی در دوران جاهلیت به اوج تطور خود می رسد. دوران جاهلیت به یک دوره ۱۵۰ تا حداکثر ۲۰۰ ساله قبل از بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته می شود. (شوقی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۸)

- (قرآن و تاثیر گذاری های مختلف آن بر نحو عربی اثر قاسم بستانی این مقاله به موضوع، ایجاد علم نحو با هدف صیانت از الفاظ قرآن و همچنین تاثیرات قرائت قرآنی بروی قاعده سازی نحوین مورد بررسی قرار داده است ولیکن تاثیر اجتهاد قراء را بر حجیت این کتاب شریف در قاعده سازی مسکوت گذاشته و بی تفاوتی از کنار آن گذشته است.
- (پژوهشی پیرامون اختلاف قرائت ها اثر زهرا شبیری) مسئله قراء و سیر تاریخی به وجود آمدن اختلاف قرائت را مورد بررسی قرار می دهد.
- (چالش های نحوی قرائت حمزه و خاستگاه تاریخی آن اثر روح الله نجفی) نیز قرائت حمزه را بررسی کرده و به منازعه میان نحوین و این قاری به صورت خاص می پردازد. در عین حال به مسئله شروط صحت قرائت نیز می پردازد. چه که بعضی از نحوین مطابقت قرائت را با قواعد نحوی لازم می دانند و قرائت حمزه را دارای اشتباهاتی در صناعت ادبی و قواعد عربی می دانند.
- (در آمدی بر موضوع حجیت قرائت قرآنی اثر محمد اخوان) این مقاله ابتدا سیر تاریخی قرائت و چگونگی شکلگیری اختلافات را بررسی کرده و سپس دلایلی که باعث شده است بعضی، حجیت قرائت را مورد تشکیک قرار بدهند را مورد بررسی و نقد قرار داده است. البته اشکالاتی جزئی نیز در متن مقاله وجود دارد. به عنوان مثال نویسنده به تواتر قرائت اشاره کرده است. مسئله ای که البته در میان دانشمندان اهل سنت مشهور است ولیکن از سوی دانشمندان جهان تشیع در حوزه علوم قرآنی مانند آیت الله معرفت، آیت الله سبحانی، آیت الله خوئی و ... رد شده است و انشاءالله در جای مناسب به آن پرداخته خواهد شد.

۲. علم اصول نحو

اصول از لحاظ لغوی از کلمه اصل گرفته شده است و اصل هر شیئی به قسمت زیرین یک شیء گفته می شود. چرا که قسمت زیرین به عبارتی چونان فوندانسیون و اساس است که قسمت های بالاتر از آن متفرع شده و شاخ و برگ گرفته اند. (فیروز آبادی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۴۸)

علم اصول به یکسری قواعد معینی گفته می شود که به وسیله آن قواعد می توانیم احکام خاصه علم مورد نظر را تفریع و استنباط نماییم. به عبارت روشن تر، اصول نحو به علمی گفته می شود که در آن از ادله النحو و چگونگی استدلال به این ادله در استنباط قواعد بحث می شود. (محمد عید، ۱۳۷۶، ص ۵) اولین کسی که در این علم کتابی تالیف نمود ابوبکر بن سراج بوده است. سیوطی درباره او می گوید: «علم نحو چموش و افسار گسیخته بود تا آن که ابن سراج آن را قاعده مند نمود.» (سیوطی، بی تا، ص ۵)

پس از ابن سراج، دانشمندانی چون ابن جنّی، ابن انباری و سیوطی با تالیف کتبی در این باب، این علم را کامل تر نمودند. (محمد عید، عالم الکتب، ۱۳۷۶، ص ۵؛ ابن منظور، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۱۶)

۲.۱. ادله نحو

نحاه برای استنباط قواعد نحوی منابعی را تعریف کرده اند. ادله ای که غالب علمای اصول نحو بر آن اتفاق دارند، چهار مورد است: سماع، قیاس، اجماع و استصحاب. (سیوطی، بی تا، ص ۲۸) (ابن انباری، ۱۳۵۰، ص ۴۵) و البته دانشمندان اصول نحو تا ۱۲ مورد نیز در باب ادله النحو بر شمرده اند.

سماع همانطور که گفته شد، یک از ادله نحوات برای استنباط قواعد نحوی به شمار می رود. سماع عبارت است از کلامی که از شخصی فصیح صادر شده باشد، که شامل قرآن، احادیث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اشعار و نثر عربی می شود. (سیوطی، بی تا، ص ۴۸)

نحوات در مورد فصاحت قرآن اتفاق نظر دارند، فلذا آن را در زمره ادله قطعیه اصول نحو به شمار آورده اند ولیکن بعضی از دیگر مواردی که در زمره منابع سماع شمرده شد، مورد تشکیک و اختلاف می باشد.

۲.۲. منهج نحویون بصره و کوفه در استناد به قرائات در قاعده سازی

رویکرد بصره و کوفه در استنباط قواعد عربی به نوبه خود جالب توجه است. شاکله ذهنی خلیل بن احمد فراهیدی به عنوان الگوی و پیشوای نحاه بصره بر استدلال و قیاس استوار بود، تا آنجا که باب قیاس در لغت را نیز باز کرد و همین نکته بعد ها موجبات اختلافات گسترده میان نحاه بصره و کوفه شد. چرا که کوفیان اعتقاد داشتند که زبان اصلا در دایره قیاس نمی گنجد و بسیاری از اتفاقات زبانی متأثر از تحولات اجتماعی، سیاسی، تجاری و غیر آن بوده و هرگز با قیاس و استدلال به دست نمی آید. (کشمیری، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴۳)

از همین جهت، بصریون در بسیاری از موارد به قرائات قرآنی احتجاج نمی کنند و تنها در مواردی که قرائات با مقایسه و قواعد آن همگون و سازگار باشد، به قرائات روی می آورند. به عنوان مثال، بصریون معتقدند که آن مخففه از ثقیله همچنان قدرت نصب اسم را دارا می باشد. آن ها در اینباره به قرائت نافع و ابن کثیر در آیه ۱۱۱ سوره مبارکه هود احتجاج می کنند، که بصورت «و إِنْ كُنَّا لَمَّا لِيُؤْفِقِينَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ» (هود، ۱۱۱) قرائت نموده اند. (ابن انباری، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۹)

اما کوفیون در نقطه مقابل بصریون فکر می کنند. به اعتقاد کوفیون، از آنجا قرائات قائم به روایت و نقل است و از منابع سماع عرب به شمار می رود، باعث می شود که در عرصه قاعده سازی از شعر و نثر و غیره به عنوان ابزار قویتری عمل کند و بیشتر مورد اطمینان باشد. فلذا کوفیون بیشتر از نحاه بصره به قرائات قرآنی اعتماد کرده و از آن در استنباط قواعد کمک می گیرند. (سالم مکرم، بی تا، ص ۵۸)

ابن حزم اندلسی نیز در این باره نتوانسته است که در مقابل رای بصریون در قرائات ساکت بنشیند و شگفتی خود را پنهان کند و گفته است: «در شگفتم از آن ها که اشعار امر و القیس، زهیر و طرمح را در قاعده سازی مورد استفاده قرار می دهند ولی قرائات قرآنی را کنار گذاشته و در اینباره حجت قرار نمی دهند.» (افغانی، ۱۳۴۳، ۲۹)

۳. بررسی معنای قرائت در لغت و اصطلاح

۳.۱. قرائت در لغت

این کلمه در واقع از مصدر قرأ می باشد که زجاج آن را در لغت به جمع کردن و گردآوری معنا کرده است. او به قرأت الماء فی الحوض استشهاد نموده است که به معنای جمعت الماء فی الحوض می باشد. (ابن منظور، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۲۹) قطرب نیز معنای رمی و اسقاط را برای آن ذکر کرده و به فقرات الناقه سلی قطب به معنی ما اسقطت استشهاد می کند. (زبیدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۲۱) گروهی از محققین نیز معتقدند که کلمه قرائت به معنای تلاوت و خواندن است. ابن عطیه نیز همین رای را پذیرفته است. لیکن آنطور که عده ای از پژوهشگران می گویند اصلاً کلمه قرائت (به معنای خواندن و نوشتن) دارای ریشه عربی نبوده و از زبان آرامی وارد عربی شده و سپس در معنای تلاوت معمول و متداول شده است. (حجتی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۸) در این باره بلاشر مثال های متعددی از لغات آرامی و غیر آرامی را که وارد زبان عربی شده اند، در کتاب خود نقل کرده است. او همچنین، علت این مسئله را در همجواری قوم عرب با یهود و سایر اقوام جستجو می کند. (نک: همان، ص ۲۴۹)

۳.۲. قرائت در اصطلاح

قرائت در اصطلاح به علمی گفته می شود که در آن از وجوه اختلافی متواتر در آیات قرآن بحث می شود. به عبارت دیگر قرائت علم به اختلاف الفاظ و عبارات وحی است که از سوی قراء نقل شده است. (حاجی خلیفه، بی تا، ص ۱۳۱۷)

گاهی اوقات قرائت تنها یک وجه دارد که در این صورت قراء بر آن اتفاق دارند از آن با متفق علیه القراء تعبیر می کنند و یا دارای وجوه مختلف است که از آن با نام مختلف فیه بین قراء یاد می کنند. (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۱۳)

۴. بررسی گستره اختلافات میان قراء

اختلافات موجود در میان قراء بر چند نوع است که به آن اشاره می شود.

- ۱) اختلاف در اعراب بدون تغییر معنا و یا تغییر صورت کلمه. مانند آیه ۲۴۵ سوره بقره: «فِيضَاعَفَةُ» که به دو صورت رفع و نصب قرائت شده است.
- ۲) اختلاف در اعراب که موجب تغییر در معنا می شود اما صورت کلمه همچنان بدون تغییر باقی می ماند. مانند: «اِذَا تَلَّوْنَهُ وَاِذَا تَلَّوْنَهُ».
- ۳) اختلاف در حروف کلمه بدون اختلاف در اعراب؛ بدین صورت که صورت کلمه را تغییر می دهد ولی معنا تغییری نمی کند. مانند: «كَيْفَ نَنْشُرُهَا وَاِنْ نَنْشُرُهَا».
- ۴) اختلاف در کلمه بدون تغییر معنا. مانند: «انْ كَانَتْ الْاِصْبَحُ وَاِنْ كَانَتْ الْاِصْبَحُ».
- ۵) اختلاف در کلمه همراه با تغییر معنا. مانند: «طَلْحَ مَنْضُودٌ وَاِنْ طَلْحَ».
- ۶) اختلاف در تقدیم و تاخیر کلمات. مانند: «وَاِنْ جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ وَاِنْ جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ».
- ۷) اختلاف در زیادت و نقصان. مانند: «وَمَا عَمَلْتَ اَيْدِيَهُمْ وَاِنْ عَمَلْتَهُ اَيْدِيَهُمْ» (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۹)

۵. علل شکلگیری اختلاف قرائات

۵.۱. صباوت و بدوی بودن خط عربی

بعضی از محققین صباوت خط عربی و عاری بودن از نقطه و علائم نگارشی را یکی از مهمترین دلایل شکلگیری اختلافات موجود بیان کرده اند. ابن ابی هاشم در این باره گفته است: سبب اختلاف در قرائات هفتگانه این است که مصاحف فرستاده شده به مناطق و مراکز اسلامی از هر گونه علائم مشخصه، نقطه، شکل و غیره عاری بود و مردم از همین مصاحف برداشت می کردند. لذا میان قاریان شهرها اختلاف پدید آمد. (فضلی، بی تا، ص ۹۵)؛^۳ به عنوان مثال عرب جاهلی در کتابت الف وسط کلمه را اسقاط می کردند. چرا که

^۳ خدایی اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۳۳؛ معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲.

خط عربی کوفی از خط سریانی نشات گرفته و در خط سریانی مرسوم نبود که الف وسط کلمه را بنویسند. فلذا سماوات را سموات می نوشتند. به همین دلیل است طبیعی است که قراء در بعضی موارد از این قبیل اختلاف کنند. کما این که نافع، عمرو و ابن کثیر یخضعون در آیه ۹ سوره بقره را یخضعون قرائت کرده اند. (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۳۵)

اگرچه محققین اعتقاد دارند که خط اصلا تاثیری در به وجود آمدن اختلافات نداشته است. چرا که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول نزول قرآن سنت اقراء را پایه گذاری کردند. بدین معنا که صحابه ابتدا قرآن را کاملا از حضرت بصورت مشافهه آموخته و سپس برای حضرت بازخوانی میکردند. در صورت صحت قرائت از سوی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مامور آموزش مسلمانان می شدند. (زنجانی، ۱۳۶۳، ص ۳۵) فلذا در قرن اول اصلا مصاحف نقشی در یادگیری تلاوت قرآن ایفا نمی کرده است و یادگیری تلاوت قرآن از مصحف همواره از سوی مسلمانان منع می شده است. به عنوان مثال عثمان ابن ابی شیبۀ در آیه جعل السقایه فی رحل اخیه، کلمه رحل را اشتباهاً رجل خواند! فلذا در این باره گفته شده است: «لا تاخذوا القرآن من مصحفی و لا العلم من صحفی.» (سالم مکرم، بی تا، ص ۱۳). در همان قرن اول، اعراب گذاری قرآن نیز آغاز شد. (آراسته، ۱۳۷۸، ص ۲۱۷). بنابراین به قطع می توان گفت که اختلاف صحف و صباوت خط عربی تاثیری در اختلاف قرائت نداشته است.

۵.۲. اختلاف لهجه ها در قرائت قرآن

گرچه زبان تمامی قبایل جزیره العرب واحد بود اما لهجه های آنان با یکدیگر متفاوت می نمود. مانند اختلاف لغات در مع، که قبیله بنی ربیعہ آن را مبنی بر سکون و باقی عرب آن را معرب استعمال می کنند. (سیوطی، بی تا، ص ۲۷۱) فلذا این لهجه ها از لحاظ کیفیت اداء و حرکات در قرائت قرآن تاثیر می گذاشت. بنابراین می بینیم که حتی در سوره فاتحه الکتاب که روزانه در نماز قرائت می شود نیز اختلاف پیش آمده است و کلمه نستعین در آیه ۵ سوره حمد به فتح و کسر نون قرائت شده است. فراء در این باره می گوید: در لغت قیس و اسد مفتوح است ولی غیر ایشان می گویند مکسور است. (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۳۶) یا قبیله بنی اسد که مطلقا کلمات غیر منصرف را بصورت منصرف استعمال می نموده اند. (ابن محمد الدمیاطی، ۱۳۶۶، ۵۲۸)

البته بعضی به این رای خرده گرفته و اشکال کرده اند: قرائت بدین صورت نبوده است که تمامی افراد قرآن را طبق لغت قبیله خود بخوانند. چون در این صورت الا و لابد بعضی از عیوب موجود در کلام عرب در

قرآن پدیدار می شد. عیوبی از قبیل کشکۀ^۴ در لغت ربیعۀ و مضر، عنعنۀ^۵ در لغت قیس و تمیم و فحفحۀ^۶ در لغت هذیل. در حالی که می بینیم تمامی قرائات قرآنی از این عیوب بدور هستند. (سالم مکرم، بی تا، ص ۲۵).

از طرفی قرائت قائم بر اصل روایت و نقل است و محیط زندگی قاری و قبیله منتسب به آن اصلاً ذره ای تاثیر در قرائت قاری ندارد. بارزترین مثال این مورد ابن کثیر قاری مکه است؛ چرا که مکی ها لهجه ی قریش را نمایندگی می کنند. یکی از بارزترین خصوصیت های لهجه قریش این است که در گویش قرشی همزه بیشترمورد تسهیل و قلب قرار می گیرد. به عنوان مثال عبارت «خَلَّوْا الی شیاطینهم» در سوره بقره آیه ۱۴ را به صورت خَلَّوْلی قرائت کرده اند. (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۲). با این حال مشاهده می کنیم که ابن کثیر قاری اهل مکه اکثر اوقات به همزه قرائت نموده است. (الراجحی، ۱۳۷۵، ص ۸۵).

حال در این که قرآن به لغت کدام یک از قبایل عرب نازل شده است اختلاف است:

❖ ابو حاتم سجستانی و بعض دیگر از علما قائل به تبعیض می باشند. و قائلند که قرآن به قریش، هذیل، تیم، ازد، ربیعۀ، هوازن و سعد ابن ابی بکر نازل شده است. (سالم مکرم، بی تا، ص ۲۲)

عبدالله بن عباس، مفسری که در میان فریقین شخصیت مقبول و مورد اعتمادی به شمار می رود، در این باره می گوید: قرآن به لغت هوازن نازل شده است که متشکل از چهار قبیله است: سعد ابن بکر، جشم ابن بکر، نصر ابن معاویه و ثقیف.

البته این رای محل مناقشه بسیاری محققان بوده است. و در اینباره اشکالاتی مطرح نموده اند. بعنوان مثال قبیله تیم که ابو حاتم سجستانی از آن نام برد، در فضای اجتماعی مکه از پست ترین قبایل زیرمجموعه قریش به شمار می رفته است. چرا که از قبایل هجین به شمار می رفته است که اصلیت آن ها به سودان باز می گردد. پرواضح است که لغت چنین قبیله ای نمی تواند مبنا قرار بگیرد. جریر تمیمی درباره این قبیله شعری مشهوری دارد:

و یقضی الامر حین تغیب تیم و لا یستاذنون و هم شهود
و انک لو رایت عبید تیم و تیما قلت: ایهم العبید (مفید، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸)

^۴ در لغت ربیعۀ و مضر همواره بعد از کاف خطاب یک شین اضافه ی کنند و بدین صورت تلفظ می کنند: رایتکش، سلام علیکش.

^۵ در لغت قیس و تمیم همزه ابتدای کلام را عین تلفظ می کنند.

^۶ در لغت هذیل حاء را عین تلفظ می کنند.

ابن قتیبه نیز در این باره اشکالی مطرح کرده است که بدین قرار است: با توجه به آیه شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ» لغات موجود در قرآن بایستی همه در بطن قبیله قریش بوده باشد. عده ای نیز در پاسخ به اشکال ابن قتیبه متذکر این نکته شده اند که قوم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمامی عرب را دربر میگیرد و نه تنها قبیله قریش. (سالم مکرّم، بی تا، ص ۲۲).^۷

❖ قرآن به لغت قریش نازل شده است، دانشمندانی چون ابن فارس و سیوطی در کتب خود به این مسئله تصریح کرده اند که لغت قریش سید لغات عرب به شمار می رود. چرا که شهر مکه به وجود کعبه و همچنین تکیه مردم مکه بر در آمد بازرگانی همواره محل رفت و آمد بوده است. این رفت و آمد ها از سوی اقوام و قبایل مختلف باعث شده است تا صراع و کارزار لغات به وجود بیاید. در چنین کارزار های لغوی و امداری هایی صورت می گیرد. بدین صورت که لغت غالب بعضی از ویژگی ها از اصوات، قواعد و اسالیب لغت مقهور و مغلوب را اخذ می کند. از آنجا که شهر مکه به علت وجود کعبه، به عنوان مرکزی زیارتی و اقتصادی برای اعراب تعریف شده بود. (ابن واضح، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۲۱۵؛ محمد بن حبیب بغدادی، ۱۳۸۴، ص ۴۲). خداوند متعال در سوره قریش به این رفاه و گشایش اقتصادی ناشی از مرکزیت مکه در گذرگاه های بازرگانی آن روز اشاره نموده است.

همچنین می توان به سوق عکاظ اشاره کرد. شهرت و اهمیت بازار عکاظ به اجتماع سالیانه اعراب برای مبادلات فرهنگی و اقتصادی باز می گردد. (آلوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۷)

فلذا در اثر این رفت آمد های قبایل مختلف به مکه، قبیله قریش زیباترین اصوات، آسانترین قواعد و بهترین اسالیب را از آن ها گلچین کرده است. (حجتی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۱)

دکتر طه حسین و ابراهیم انیس از معاصرین ادب عربی نیز به این رای مهر تایید زده است و گفته است که قریش بر اثر سلطه سیاسی و اقتصادی بر یکی از مهمترین شهر های شبه جزیره توانست که به سلطه فرهنگی که همان سیادت لغت بود، دست یابد. یعنی گویش قرشی به عنوان گویش رسمی جزیره به شمار می رفته است. بنابراین لغت قریش سید لغات عرب است و شایسته است که قرآن بر این لغت نازل شود. (الراجحی، ۱۳۷۵، ص ۴۳) مخصوصاً این حدیث منقول از حضرت که می فرمایند: «انا افصح من نطق بالضاد بیدائی من قریش» (فخر رازی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۹).^۸ که دلالت دارد لغت قریش افصح لغات عربی بوده است.

^۷ البته بعضی از مفسران معاصر، لسان پیامبر صلی الله علیه و آله را اشاره به زبان عربی نمی دانند. چرا که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جمله پیامبران اولوالعزم به شمار می رود و پرواضح است که رسالت چنین پیام آورانی جهانی بوده است و منحصر به اعراب نمی باشد. (صادقی تهرانی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۵۱۴).

^۸ بید را در این حدیث به معنای لاجل (بدین سبب، از اینرو) گرفته اند و در اینباره به شعر ابو عبیده استشهد می کنند :

اما به نظر می رسد که آراء و نظراتی از این قبیل تحت تاثیر شخصیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده باشد. چرا که این رای اصلا با مناسبات علم لغت و لهجه و علم جغرافیای لهجات^۹ همخوانی ندارد. (الراجحی، ۱۳۷۵، ص ۴۳).

آیا قبایل عرب همگی در دوری و عزلت اجتماعی از یکدیگر به سر می بردند و مکانی جز شهر مکه برای گردهمایی نداشتند؟ مخصوصا اگر ویژگی های سرزمینی مکه از قبیل خشکسالی ها و قحطی آب و غیره را در نظر بگیریم. آیا در تمامی شبه جزیره عرب جز بازار عکاظ و کعبه مکان دیگری وجود نداشته است که در اثر اجتماع قبایل صراع لغوی به وجود بیاید؟

با مراجعه به کتب تاریخی خواهیم دید که علاوه بر بازار عکاظ، بازار های معروف دیگری چون دومه الجندل، مشقر، هجر، عمان، صحار و ... نیز بوده است. (الراجحی، ۱۳۷۵، ص ۲۰؛ آلوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۴) جنگ های طولانی مدت عرب نیز نمونه ای دیگر برای تایید این موضوع به شمار می رود. جنگ هایی که منجر به برخورد چند قبیله برای سال های طولانی مدت می شده است. از جمله این جنگ ها می توان به جنگ های چهارگانه فجار و یا جنگ تغلب و بکر اشاره نمود که بیش از ۴۰ سال به طول انجامید. (ابن اثیر، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۵۲۳؛ ابن حبیب، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹)

بررسی ها و تحقیقات پژوهشگران حاکی از آن است که ویژگی های سرزمینی از قبیل خشکسالی و کم آبی، سرما و یا گرمای شدید هوا باعث می شود که مردم در دایره های جمعیتی بزرگتری در کنار هم زندگی کنند تا بر مشکلات طبیعت فائق آیند. (انیس، بی تا، ۱۳۳۹، ۲۱). از جمله این شهر ها می توان به شهر یثرب پیش از اسلام اشاره کرد که به دلیل حاصلخیز بودن خاک قبایل زیادی از یهودیان و یا اعراب قحطانی چونان بنی ظفر، بنی عبد اشهل، بنی زعور و ... در آنجا ساکن شده بوده اند. (جعفریان، ۱۳۸۶، ۱۷۶). شهر صنعا نیز از جمله شهر های شگفت انگیز قبل از جاهلیت بوده است و از جمله مراکز تجاری شبه جزیره به شمار می رفته است. شعر معروف عرب که در این باره می گوید: لا بد من صنعا و ان طال السفر. (ابن حائک، ۱۳۶۹، ص ۱۰۲). بنابراین شهر مکه تنها مرکز تجاری و یا اجتماع اعراب نبوده است. آلوسی نیز در بلوغ الارب برخی از اجتماعات را ذکر می کند. (آلوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۰)

فلذا همانطور که اشاره شد، بررسی های موشکافانه قویا دلالت دارد که رای نزول قرآن بر لغت قریش تنها نشانی از تمجید قبیله حضرت رسول صلی الله علیه و آله می باشد و ریشه و اساس علمی ندارد.

أخاف إن هلك أن ترني (سيوطي، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۶)

عمدا فعلت ذاك بيد أني

Dialect geography^۹

❖ گروهی معتقدند که قرآن به لغت تمامی عرب نازل شده است. کما این که قاضی ابوبکر بن الباقلانی نیز در این باره به قرآن استشهاد کرده است. در آنجا که خداوند متعال می فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف، ۴) کلمه عربی تمامی لغت عرب را در بر می گیرد و هر کس که قائل به تبعیض است بایستی بر کلام خود حجت و دلیلی بیاورد. این یکی از بهترین آراء گفته شده در این حوزه است که توسط بعضی از دانشمندان معاصر نیز تقویت شده است. (سالم مکرّم، بی تا، ص ۲۲)

طبق بررسی های انجام شده در حوزه ادوار پیشرفت و تطور لغات و لهجه ها بایستی گفت، که زبان عربی به دو قسمت تقسیم می شود:

- ۱) لهجه ها و گویش های خاص هر کدام از قبایل عربی، که با هم تفاوت هایی داشته و دارند.
 - ۲) گویش عام و یا عربی مشترک، که میان تمامی قبایل تکلم می شود و قرآن بدین گویش مشترک نازل شده است. این گویش مشترک در طول ادوار تطور لغوی همواره کامل تر شده است و از خصائص لهجات مختلف بهره برده است. لذا این که بعضی از محققین گویش های مختلف وارده در قرآن را تا ۷۰ مورد شمرده اند، از همین مسئله نشات گرفته است.
- در همین راستا، قرائات قرآنی یکی از منابع دست اول مطالعه و تحقیق در حوزه گویش شناسی شبه جزیره به شمار می رود.

۵،۳. تحکیم رای و اجتهاد

عده ای از دانشمندان علوم قرآن مانند آیات عظام خوئی (خوئی، بی تا، ۱۲۹)، سبحانی (سبحانی، ۱۳۹۰، ۲۰۲)، معرفت (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۴۶؛ ۱۳۸۳، ص ۱۵۲) و بدرالدین زرکشی (زرکشی، ۸، ص ۳۱۸) معتقدند که قراء در انتخاب وجوه قرائات خود اجتهاد می نموده اند. فلذا می بینیم که حتی میان راویان یک قاری نیز اختلاف وجود دارد. به عنوان مثال ابوبکر بن عیاش و حفص بن سلیمان هر دو از عاصم روایت کرده اند با این وجود در ۵۲۰ مورد با هم اختلاف دارند. (مهدوی، ۱۳۸۳، ص ۱۷) و یا بعضی از قاریان که در قرائت با اساتید خود اختلاف دارند. مانند ابو عمرو که قرآن را بر استاد خود ابن کثیر قرائت نمود اما با او ۳۰۰۰ مورد اختلاف دارد. (مهدوی، ۱۳۸۳، ص ۱۶)

علاوه بر این که می بینیم قراء برای قرائت خود به نحو استناد می کرده اند. تا آنجا که زمخشری قرائت ابن عامر در قتل اولادهم شرکاء را به علت مخالفت با نحو مردود می داند. (زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۷۰) و یا

عمرو بن علاء که برای صحت قرائتش احتجاج به اشعار عرب می نموده است. (ابن معاضه الشَّهْرِي، ۱۳۸۷، ص ۷۶۶)

قراء در زمینه ادبیات عرب نیز مهارت و تبحر ویژه ای داشته اند. کما این که در رابطه با ابن کثیر نقل شده است، که او در علوم عربی عالم تر از مجاهد بوده است. هر کدام از حمزه، عاصم و ابو عمرو نیز هر کدام در زمینه علم نحو ید طولایی دارند. (الراجحی، ۱۳۷۵، ص ۸۴).

بنابراین طبق قرائن موجود به نظر می رسد که بیش از تمامی دلایل گفته شده این اجتهاد قراء بوده است که در پدید آمدن اختلاف قرائات دخیل بوده است.

لذا از همین روست که گفته شده قرآن و قرائات دو حقیقت متغایرنند. قرآن، وحی الهی نازل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است. درحالی که قرائات، ناشی از شناخت قراء نسبت به قرآن است که بیشتر مبنی بر اجتهادات شخصی آنان می باشد. (زرکشی، ۱۳۶۸، ج ۱، ۳۱۸)

البته لازم به ذکر است که عده ای از دانشمندان شیعه و قاطبه اهل سنت بر این مذهبند که قراء هرگز در قرائت خود اجتهاد نکرده اند (حجتی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰) چرا که قوام قرائت به روایت و نقل است و وثاقت قراء در نقل توسط علما تایید شده است. (ابوحیان، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۶۵۸). ولیکن همچنان اشکال به قوت خود باقیست؛ چرا که روایت و نقل قراء به دلایل قوی تخطئه می شود. چرا که هر قاری تربیت شده و تعلیم یافته استاد خود است و نه راوی از او. به عبارت دیگر هر قاری نظرات و آراء خودش را در قرائت قرآن منعکس می کند، نه رای و نظرات استاد خویش تا گفته شود که روایت و نقل شده است. در حقیقت هر صاحب قرائت در انتخاب نحوه قرائت اجتهاد می کند لذا او را صاحب اختیار می دانیم نه راوی و ناقل قرائت مشایخ خود. از این رو است که قرائت هر یک از قرآء را به خود او نسبت می دهیم همانند آرای فقهیه فقها که هر نظریه فقهی به همان صاحب نظر انتساب دارد، نه به شیخ او تا حالت نقل و روایت پیدا کند! علاوه بر این که خود قراء چنین ادعایی نداشته است؛ جز این که از جناب عاصم نقل شده است که او قرائتی را به حفص آموخته که از ابو عبدالرحمن سلمی و او از امیر المومنین علیه السلام اخذ کرده است. (معرفت، ۱۳۸۱، ۱۹۵).

قائلین به این رای استناد به نحو را در صحت قرائت صحیح نمی دانند، چرا که موجب دور می شود.

گاهی اوقات اختلافات در باب زیادت، وجهه تفسیری داشته است. کما این که می بینیم بعضی از قراء این گونه قرائت کرده اند. «و حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی (صلاة العصر)» و یا آیه شریفه «لا جناح علیکم ان تبتغوا فضلا من ربکم (فی مواسم الحج)» این نوع از قرائات بیشتر در احادیث معصومین علیهم السلام نیز دیده می شود. (بحرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۶)

۶. تعداد قرائات

قرائات قرآنی را از پنج تا پنجاه قرائت و بیش از آن هم شمرده اند. گرچه از این تعداد، قراء سبع ابن مجاهد از شهرت بیشتری برخوردار هستند. البته پر واضح است که هیچ ارتباطی میان قرائات سبعة ابن مجاهد و حدیث سبعة احرف وجود ندارد فلذا می بینیم که از این جهت، عده ای از محققین بر ابن مجاهد خرده گرفته اند. چرا که تسمیه او به قرائات سبعة محل اشتباه بسیاری از عوام بوده است. (بیلی، بی تا، ص ۷۹)

لازم به ذکر است اقوال مختلف در تعداد قرائات من باب تحدید قرائات در این تعداد نیست. چرا که اهل سنت به پیروی از صحابه قرائات مختلف را انکار نمی کنند بر تمامی قرائات صحه می گذارند. (مهدوی، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

۷. شروط صحت قرائت

علمای علم قرائات شروط متعددی را برای صحت یک قرائت بر شمرده اند، که تعداد این شروط از ۲ تا ۱۴ مورد متغیر است. سه شرط مهمی که اکثر کتب قرائات آن را ذکر کرده اند عبارتند از:

۱. موافقت با نحو و قواعد عربی

۲. موافقت با رسم الخط قرآن

۳. صحت اسنادی (القضاء، ۱۳۸۰، ص ۷۰؛ مکی، بی تا، ص ۵۷)

البته ابو شامه، در کتاب خود- المرشد الوجیز- می گوید: «نباید هر قرائتی را که به یکی از قاریان هفت گانه نسبت داده می شود، صحیح دانست و چنین پنداشت که واقعا قرآن بدان صورت نازل گردیده است. مگر آنکه با ضوابط و قوانین صحت مطابقت کند که در این صورت نقل آن اجماعی خواهد بود و به یک نفر اختصاص نخواهد داشت.»

این سه شرط از شروطی است که عده ی قابل توجهی از علما مانند ابو عمرو عثمان بن سعید دانی، ابو محمد بن ابی طالب مکی، ابوالعباس بن احمد بن عمار مهدوی بدان تصریح کرده اند. (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۹، ص ۳۷)

گرچه این شروط نیز مورد اختلاف قرار گرفته است و بعضی از علما آن را تخطئه نموده اند. به عنوان مثال درباره شرط صحت اسنادی همانطور که قبلاً ذکر شد، سلسله مشایخ را نمی توان سلسله اسناد روایت گرفت. شرط مطابقت با قواعد زبان عربی و وجوه نحوی نیز بنابر رای بسیاری از نحویین بصره و تعدادی از پیروان آن ها مانند ابن قتیبه یا زمخشری می باشد که البته این شرط از سوی نحویین متاخر مردود اعلام شده است. و دلیل آورده اند که لغت و نحو به وسیله قرائات اثبات می شوند ولی این رابطه بالعکس صحیح نیست. چون از لحاظ منطقی دور پیش می آید. بعضی دیگر نیز قائل شده اند که شرط موافقت با وجوه نحوی، شرطی بی فایده است. چرا که ما اصلاً قرائتی نداریم که به وجهی از وجوه زبان عربی صحیح نباشد. (فضلی، بی تا، ص ۹۱)

به عنوان مثال، همین مسئله باعث شده که زمخشری به قرائت ابن عامر در آیه شریفه قتل اولادهم شرکاوهم ۱۳۷ سوره انعام خرده گرفته و آن را مردود اعلام نماید. ابن عامر این آیه شریفه را به رفع قتل و جر شرکاء که مضاف الیه قتل هست قرائت کرده است. در حالی که اولاد که ظرف نیست میان مضاف و مضاف الیه فاصل شده است. هنگامی که زمخشری به این جا می رسد طبق قواعد نحو که فصل بغیر ظرف را جایز نمی دانند، قرائت ابن عامر را خطا اعلام کرده و منشاء این خطا را، اشتباه مصاحف بیان می کند و در ادامه می گوید: ابن عامر در اینجا به نقل و روایت، قرائت نکرده و تنها به خط مصحف اعتماد نموده است و همین مسئله موجب بروز اشتباه در قرائت او شده است. (زمخشری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۷۰)

ابن حیان نیز در پاسخ به زمخشری می گوید: «عجیب است که شخصی عجمی و ضعیف در نحو، این گونه بر قاری عربی خرده می گیرد. در حالی که نظیر چنین استعمالاتی در زبان عربی موجود است و همچنین نسبت به سوء ظن این شخص نسبت به قراء در شگفتم چرا که وثاقت قراء در نقل و دیانت آنان نزد همه مسلمین ثابت است.» (ابو حیان، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۶۵۸).

سیوطی نیز در کتاب اقتراح، تصریح می کند که، اگر قرائتی شاذ باشد و با قواعد زبان عربی نیز همراه نباشد، باز احتجاج به آن صحیح و بدون اشکال خواهد بود. (سیوطی، بی تا، ص ۴۸)

ابن مقسم دو شرط موافقت با وجه نحوی و رسم الخط را کافی می داند.

ابن شنبوذ نیز دو شرط صحت نقل و وجه نحوی را لازم می‌داند. (الراجحی، ۱۳۷۵، ص ۷۸) ولو اگر قرائت مذکور از طریق نقل به دست ما نرسیده باشد. این رای با مخالفت جدی ابن جزری مواجه شده است و ابن جزری قرائتی را که مطابق خط مصحف نباشند بدعت و گناه کبیره شمرده است.

لازم به ذکر است، که عبد الفتاح القاضی شرط تواتر در نقل را نیز واجب و ضروری بر شمرده است. این قول، بیشتر از سوی فقها و علمای اصول مطرح شده است. (قاضی، ۱۳۶۰، ص ۸) ابن جزری تواتر را برای هیچ کدام از قراء ثابت نمی‌داند چرا که اگر تواتر قرائات اثبات شود، ما اصلاً نیازی به شروط دیگر نداریم.^{۱۰} (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸) آیت الله سبحانی نیز شرط تواتر برای قرائات را مردود اعلام نموده‌اند. ایشان در این باره به توجیه قرائات و کتاب‌هایی که در اینباره تالیف شده است، چون المحتسب ابن جنی یا الحجج ابوعلی فارسی اشاره کرده و گفته‌اند: «این استدلال‌ها بر وجه مختلف ادبی قرائت قراء برترین دلیل بر عدم تواتر این قرائات است؛ و الا با وجود تواتر سندی چه نیاز بود که به وجه نحوی استدلال نمایند. از طرفی با بررسی‌های تاریخی، متوجه می‌شویم که با توجه به مشغله‌های فراوان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و جنگ‌های صورت گرفته، ایشان به عنوان مصلح اجتماعی و رهبر جامعه، زمانی برای پرداختن به قرائات هفتگانه یا دهگانه را نداشته‌اند.

علاوه بر این که این قرائات از سوی حضرت متواتر نیستند، تواتر قرائات از سوی قراء نیز ثابت نمی‌شود چرا که هر قاری تنها دو راوی دارد، بنابراین چگونه قرائت آنها برای ما متواتر خواهد شد؟»

بنابراین، تنها قرائتی که متواتر است، قرائت حفص از عاصم است. که در طول قرون توسط مسلمین نقل شده و اکنون به دست ما رسیده است. اما دیگر قرائات هفتگانه، دهگانه و غیره نه از سوی پیغمبر اکرم و نه از سوی قراء متواتر نخواهد بود. (سبحانی، ۱۳۹۰، ۱۹۳)

^{۱۰} پر واضح است که صرف تواتر موجب بی‌نیازی از دیگر شروط نمی‌شود. چرا که اگر مقصود از نقل همگانی این قرائات نقل از خود قراء سبعة باشد، این فاقد ارزش است؛ چرا که مبدأ تواتر باید مقام معصوم باشد تا منقول حجیت پیدا کند و اگر مقصود نقل از پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد فقط به این قراء، این امر ثابت نیست؛ زیرا بیشتر قراء، حتی سند قرائت ندارند، چه رسد به تواتر، بعلاوه بیشتر قرائات، از روی اجتهاد شخصی بوده و هرگز مستند به نقل و روایت نیست و اگر فرضاً تواتر تا قاریان را بپذیریم این تواتر اثری نخواهد داشت؛ زیرا تواتر برای کسی حجیت دارد که نسبت به خود او حاصل شده باشد نه دیگران.

و اگر نقل از پیغمبر صلی الله علیه و آله به قراء و از آنها به دیگران باشد، فاقد شرط تواتر است؛ زیرا اساسی‌ترین شرط تواتر آن است که از مبدأ تا مقصد در تمامی طبقات، نقل همگانی وجود داشته باشد و در این فرض چنین نمی‌باشد؛ زیرا در وسط به نقل فرد می‌رسد و از تواتر ساقط می‌شود. (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹)

البته رای آیت الله سبحانی درباره تواتر قرائت حفص از عاصم نیز با مناقشه و نقد های ضعیفی مواجه شده است چرا که برخی قائلند: «دیدگاه رواج قرائت حفص از عاصم در طول تاریخ و تواتر قطعی آن برای اولین بار توسط محمد جواد بلاغی مطرح شد و توسط آیت الله معرفت به اوج شهرت رسید.

بنابر بررسی ها تاریخی انجام شده، قرائت عاصم به روایت حفص، نیز قرائت غالب، در طول قرون به شمار نمی رفته است. کما این که قرائت رایج در دوره ابن مجاهد بدین صورت بوده است:

مردم مکه پیرو قرائت ابن کثیر، مدنی ها تابع نافع و مردم کوفه بر قرائت حمزه اتفاق داشته اند. قرائت غالب مردم شام ابن عامر و اکثریت مردم بصره ابوعمر و بوده است. یعنی قرائت عاصم در دوره خودش نیز در کوفه رواج نداشته است.

قرائت مردم مصر تا قرن پنجم هجری، پیرو قرائت ورش از نافع بوده اند، لیکن از قرن پنجم تا قرن دوازدهم هجری قرائت ابوعمر و در میان آن ها رواج می یابد. قرائت ابوعمر و در قرن پنجم از مصر فراتر رفته و منطقه ای به گستردگی نیل تا فرات را در بر می گیرد.

لذا می بینیم که قرائت حفص از عاصم همواره در طول تاریخ، متروک بوده است. تا این که امپراتوری عثمانی در قرن دهم هجری قرائت حفص از عاصم را برگزید و این مسئله به رواج این قرائت کمک شایانی نمود و در حاضر حدود چهار قرن است که قرائت حفص از عاصم به عنوان قرائت غالب در کشور های اسلامی شناخته می شود.» (حامد شریفی نسب، سید محمد باقر حجتی، امید قربانخانی، (۱۳۹۶)، ارزیابی ادله دیدگاه تاریخی قرائت عاصم به روایت حفص، مطالعات قرآن و حدیث ش ۲، صص ۳۹-۶۷). اما همانطور که گفته شد این نقد چندان مستدل و قوی نبوده چرا که یکی از شواهد تواتر قرائت حفص از عاصم در طول قرون و اعصار، این است که تمامی کتب تفسیر قرآن را مطابق این قرائت تفسیر نموده اند. قرآن ها و مصاحف موجود و رایج میان مسلمانان نیز بنابر این قرائت بوده و هیچ قرائتی چنین مورد پذیرش مسلمانان نبوده است. چنانکه قرائت ورش به روایت قالون که تنها در کشور عربی لیبی چاپ شده بود، مورد اعتراض مسلمانان و سران برخی از کشورهای اسلامی قرار گرفت. (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲)

بنابراین بایستی گفت که شرط تواتر برای صحت قرائت دارای اشکالات عدیدی است. یکی واضح ترین ادله ای که ما را به عدم تواتر قرائت (غیر از قرائت حفص از عاصم) رهنمون می سازد، مخالفت ائمه اهل سنت با بعضی از قرائت و یا حتی خود قراء سبعة است. اگر این قرائت از سوی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متواتر باشند چگونه آن ها می توانند بر قراء اشکال کرده و با مخالفت کسی مواجه نشوند.

ابوبکر بن عیاش شاگرد عاصم می گفت: «از نظر ما قرائت حمزه بدعت است.» ابن درید می گوید: «من علاقمند بودم که قرائت حمزه را در کوفه ممنوع کنم.» مبرد نیز با قرائت حمزه که الارحام را به جر خوانده است، مخالفت کرده و در اینباره گفته است: «چنانچه در مسجدی ببینم که امام جماعت این آیه را به قرائت حمزه می خواند، کفش های خود را برداشته و از مسجد خارج خواهم شد.» (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹)

بنابراین تواتر قرائات هفتگانه، هشتگانه، دهگانه و ... از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منتفی است.

۸. ضابطه صحیح و معیار قطعی در صحت قرائت

همانطور که گفته شد، هرکدام از شروط با اشکالاتی از سوی دانشمندان و پژوهشگران مواجه شده است. اما سوالی که در اینجا مطرح می شود این است؛ به راستی ضابطه و ملاک صحت یک قرائت چیست؟

بنابر نظر صحیح تنها ضابطه صحت قرائت تواتر از معصوم علیه السلام است و طبق این ضابطه تنها در قرائت حفص از عاصم است که سند طلایی را داراست؛ زیرا حفص از عاصم، او از ابو عبد الرحمن سلمی و او از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است و تمامی این اشخاص از جمله اشخاص مورد اطمینان و وثوق و از بزرگان امت بوده اند.

از سوی دیگر، توافق قرائت عاصم به روایت حفص با قرائت همگانی مسلمانان در طول تاریخ از جمله شواهد تواتر این قرائت از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد؛ زیرا عاصم سعی بر آن داشت که محکمترین و استوارترین قرائتها را که از طریق صحیح و اطمینان بخش به دست آورده بود، به حفص تعلیم دهد. (خدایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۶۱؛ معرفت، ۱۳۸۲، ۱۵۲).

۹. نتیجه گیری

۱. بصریون جز در مواردی که قرائات با مقایسه و معیار آن ها هماهنگی داشته باشد، به قرائات احتجاج نمی کنند. ولیکن کوفیون قرائات قرآنی را، معتبرترین منابع سماع معرفی کرده و از آن ها در قاعده سازی کمک می گیرند.

۲. علت اصلی پیدایش اختلاف قرائات اجتهاد قراء بوده است و این استناد به قرائات در قاعده سازی را با مشکل مواجه می نماید؛ چرا که موجب دور است.

۳. شرط صحت یک قرائت، تواتر قرائت از معصوم علیه السلام است و الا نمی توان از آن در قاعده سازی بهره برد.

۴. شرط تواتر از معصوم (علیه السلام) تنها برای قرائت حفص از عاصم ثابت است و برخلاف اعتقاد مشهور میان علمای نحو، تنها از این قرائت می توان در قاعده سازی کمک گرفت.

منايع

قرآن كريم

١. آلوسى، محمد شكرى (بى تا). بلوغ الارب فى معرفه احوال العرب (چاپ اول) قاهره: دارالكتاب المصرى.
٢. ابن اثير، على بن محمد (١٣٤٣). الكامل فى التاريخ (چاپ اول) بيروت: دار صادر.
٣. ابن انبارى، محمد بن عبد الرحمن (١٣٥٠). الاغراب فى جدل العراب و لمع الادله فى الصول النحو (چاپ دوم). بيروت: دارالفكر.
٤. ابن انبارى، عبد الرحمن بن محمد (بى تا). لمع الادله فى اصول النحو (چاپ اول). بيروت: المكتبه العصريه.
٥. ابن جنى، عثمان (بى تا). الخصائص (چاپ سوم). بيروت: دار الكتب العلميه.
٦. ابن حائك، حبيب بن محمد (١٣٦٩). صفة جزيرة العرب. (چاپ اول). صنعاء: مكتبه الارشاد.
٧. ابن حبيب بغدادى، محمد (١٣٦٤) المنمق فى اخبار قريش. (چاپ اول). بيروت: عالم الكتب.
٨. ابن معاضه الشهري، عبدالرحمن (١٣٨٧). الشاهد الشعرى فى تفسير القرآن الكريم (چاپ اول). رياض: مكتبه دار المنهاج.
٩. ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٣٧٣). لسان العرب (چاپ سوم). بيروت: دار صادر.
١٠. ابن واضح، احمد بن ابى يعقوب (١٣٤٣). تاريخ يعقوبى. نجف: المكتبه الحيدريه.
١١. ابوحيان، محمد بن يوسف (١٣٧٨). بحر المحيط فى التفسير (اول). بيروت: دارالفكر.
١٢. افغانى، سعيد (١٣٤٣). فى اصول النحو (چاپ اول). بيروت: دارالفكر.
١٣. الدمياطى، احمد بن محمد (١٣٦٦). اتحاف فضلاء البشر فى القرائات الاربعه عشر (چاپ اول). قاهره: عالم الكتب مكتبه الكليات الازهرية.
١٤. الراجحى، عبده (١٣٧٥). اللهجات فى القرائات (چاپ اول). اسكندريه: دارالمعرفه الجامعيه.
١٥. انيس، ابراهيم (بى تا) مستقبل اللغة العربيه المشتركة (چاپ اول). قاهره: قاهره.
١٦. بحراني، سيد هاشم (١٣٨٣). البرهان فى تفسير القرآن (چاپ دوم) بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.
١٧. بخارى، محمد بن اسماعيل (١٣١٢). صحيح البخارى (چاپ اول). مصر: المطبعه الاميريه.
١٨. جعفرىان، رسول (١٣٨٢). تاريخ سياسى اسلام (چاپ دوم). قم: انتشارات دليل ما.
١٩. جوان آراسته، حسين (١٣٧٨). درسنامه علوم قرآنى (چاپ سوم). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.

۲۰. جعفریان، رسول (۱۳۸۶). آثار اسلامی مکہ و مدینہ (چاپ هشتم). تهران: نشر مشعر.
۲۱. حاجی خلیفه، (۱۳۱۷) بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۹۲). تاریخ قرآن کریم (چاپ سی و یکم) تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی.
۲۳. حامد شریفی نسب، سید محمد باقر حجتی، امید قربانخانی (گردآورنده) (۱۳۹۶). مقاله ارزیابی ادله دیدگاه تاریخی قرائت عاصم به روایت حفص، مطالعات قرآن و حدیث ش ۲.
۲۴. خدایی اصفهانی، اکرم (۱۳۷۳). اهمیت قرائت عاصم به روایت حفص (چاپ اول). تهران: رایزن.
۲۵. زبیدی، مرتضی، (۱۳۷۳). تاج العروس من جواهر القاموس (چاپ اول). بیروت: دارالفکر.
۲۶. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۶۸). البرهان فی علوم القرآن (چاپ اول). بیروت: دارالمعرفه.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۶۶). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل (چاپ سوم). بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۸. سالم مکرم، عبد العال (بی تا) اثر القرائات القرآنیة فی الدراسات النحویة (چاپ اول). کویت: موسسه علی جراح الصباح.
۲۹. سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). المناهج التفسیریة فی العلوم القرآنیة (چاپ اول) قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۳۰. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر (بی تا). الاقتراح فی علم اصول النحو (چاپ اول). قم: ادب الحوزة.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا). البهجة المرضیة (چاپ نوزدهم). قم: اسماعیلیان.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا). همع الهوامع شرح جمع الجوامع فی النحو (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. شوقی، ضیف (۱۳۸۴). تاریخ الادب العربی (چاپ اول). قم: ذوی القربی.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد، (بی تا). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه (چاپ دوم). تهران: فرهنگ اسلامی.
۳۵. صدر، حسن (۱۳۸۱). شیعه بنیانگذاران فرهنگ اسلام، ترجمه علی مشتاق عسکری (چاپ اول). تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۹). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول). تهران: المکتبه الرضویة لاحیاء الآثار الجعفریة.

۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۸). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب (چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. فضلی، عبد الهادی (بی تا) مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه محمد باقر حجتی (چاپ اول). قم: اسوه.
۴۰. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۴). القاموس المحيط (چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۱. قاضی، عبدالفتاح، (۱۳۶۰). القرائات الشاذة و توجیہها من لغة العرب (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العربی.
۴۲. عسقلانی، ابن حجر، (۱۳۶۴). لسان المیزان (چاپ اول). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۳. کشمیری، عبدالرسول، (۱۳۹۴). صرف کاربردی (چاپ اول). قم: نصاب.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۶). الکافی (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۵. محمد، عید (۱۳۷۶). اصول النحو العربی فی نظر النحاء و رأی ابن مضاء و ضوء علم اللغة الحدیث (چاپ اول). بیروت: عالم الکتب للطباعة و النشر و التوزیع. معرفت، محمد هادی (بی تا). التمهید فی علوم القرآن (چاپ دوم). بیروت: موسسه النشر الاسلامی.
۴۶. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳). تاریخ قرآن (چاپ پنجم). تهران: سمت.
۴۷. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱). علوم قرآنی (چاپ چهارم). قم: موسسه فرهنگی التمهید.
۴۸. مفلح القضاء، محمد احمد (۱۳۸۰). مقدمات فی علم القرائات (چاپ اول). عمان: دار عمار.
۴۹. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۷). دفاع از تشیع ترجمه الفصول المختاره، ترجمه آقا جمال خوانساری (چاپ اول). قم: مومنین.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). پاسخ به پرسش های مذهبی (چاپ اول). قم: مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام.
۵۱. مکی، بن ابی طالب (بی تا). الابانة عن القرائات (چاپ اول). مصر: دار نهضة مصر للطباعة و النشر.
۵۲. مهدوی، احمد ابن عمار (۱۳۸۵). بیان السبب الموجب لاختلاف القرائات و كثرة الطرق و الروایات (چاپ اول). بیروت: دار ابن حزم.